

## راه بیرون رفت از قضیه افغانستان و علاج این زخم ناسور: فقط یک معذرت جانانه و یک اتحاد ملی و مردانه

هموطنان عزیز و خوانندگان محترم پورتال پر خواننده و ملی، افغان جرمن آنلاين! طوريكه همه ما و شما چه در داخل و چه در خارج از کشور از مدتها به اينسو { با اظهار حقايق و انتقادات بجا و سالم بالاي عاملين و ادامه دهندگان بدبختي های افغانستان (۷ و ۸ ثوريها) با نوشتن مقالات پُر محتوا، با استفاده از لغات سنگين وزن، بحث و مناظره های تلويزوني با استعمال کلمات غير قابل درک برای بیشتر از ۲۰ ميليون نفوس کشور ۲۹ ميليوني، سايتهاي انترنيتي مملو از نظريات هموطنان صاحب نظر، کنفرانس های پر زرق و برق، ايجاد کمسيون های صلح با مصارف گزاف، مصروف و بفرار اين هستيم که چطور کشور عزيز خود افغانستان را از اين بحران روز افزون نجات دهيم و همواره سعی مينمائيم تا برای حل اين قضيه يك راه ساده (در ظاهر ساده اما در اصل جامی زهري خواهد بود که سر بکشيم) را جستجو و در تحقق آن کمر همت را بسته و دست بکار شويم.

حل قضيه: (معذرت جانانه، اتحاد مردانه)

بعد از گذشت ۱۰ سال از ديموکراسي نيم بند و بيموقع افغانستان با پشتيباني جامعه جهانی، که چشم امید اکثريت مردم ما به اين بود که در وطن ما یک عدالت سرتاسري تأمين خواهد شد، حق به حقدار خواهد رسيد، زندگي به حال عادي برخواهد گشت، اما با تأسف که تا به حال نه دولت افغانستان، نه جامعه جهانی و نه سازمان حقوق بشر قادر به اين شده تا یکی از اقلام فوق را تأمين نمايند چه رسد به اينکه يکتن از اين مجرمين و ناقضين حقوق بشر را به محکمه داخلی و يا خارجی بکشانند، زیرا کشاندن اين جنگ سالاران و ناقضين حقوق بشر به محاکم کار آسانی نيست زیرا تعداد زياد شان اعم از چپ و راست در دستگاه های دولت فعلي فعال اند و جامعه جهانی هم بمنظور تحقق اهداف خویش از ايشان استفاده و با آنها همکاري مينمايد، پس چطور امکان دارد محکمه ای بالاي اين افراد دایر گردد، حال بهتر اين خواهد بود که مردم رنجديده افغانستان مجبوراً به یک معذرت خواهی عمومي از طرف اين جنگ سالاران و ناقضين حقوق بشر در پيشگاه ملت اکتفا، و گذشته های ننگين شان را فراموش کنند، تا بتوانيم وطن را از اين ورطه هولناک نجات دهيم.

حل قضيه: (معذرت جانانه، اتحاد مردانه)

امروز فرد فرد افغانستان که در سنين بالا تر از ۳۰ سال قرار دارند از اين قضايا بسيار خوب واقف اند و همه جريانات مانند فلم سينما از دم چشمان شان گذشته، ومن هم در آن اوان متعلم صنف دهم مکتب بودم که حادثه شوم ۷ ثور به وقوع پيوست، که جريان اين حادثه شوم بار ها از طرف نويسندگان و دانشمندان وطن دوست ما به رشته تحرير درآورده شده است، فلها من نميخواهم سخن را به درازا بکشم و صرف به اين اکتفا مينمائيم که با گذشت ۳۳ سال يعني بعد از سقوط دولت جمهوری سردار محمد داود خان توسط خلقي ها و پرچمي ها با توطئه و پشتيباني همسايه بزرگ شمالي ما (اتحاد جماهير شوروي) تخم نفاق و برادر کشي در وطن ما کاشته شد، مردم ما بنام های مختلف به عقب ميله های زندان و از آنجا به پولیگون های زندان پلچرخي فرستاده شدند که تا امروز نام و نشانی از ايشان نيست. بطور خلص بايد عرض کنم که زندگي نسبتاً آرام مردم ما به یک جهنمی مبدل گشت که تا امروز با گذشت اضافه از ۳ دهه در آتش اين جهنم ميسوزيم، و به جرئت ميگويم که منشاء و سر چشمه همه اين بدبختي ها و بحران جاری همان کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و ۸ ثور ۱۳۷۰ است.

خلقي ها و پرچمي ها چهار سبائی عيش و نوش کردند، کشتند و بستند، خوردند و نوشيدند، شعار های انقلابی سر دادند و مرگ بر امپرياليزم گفتند، بالاي اسپ های مست روس ها سوار و قمچين ميزدند، اما بيخبر از اينکه يکروز جو (مواد غذائی) اسپ ها تمام ميشود و صاحبان اسپ ها ديگر توان جو اسپ ها را نخواهند داشت، که در نتيجه اسپ ها روز بروز لاغر و ضعيف و بلاخره از پا خواهند افتاد که افتادند و سوارکاران اين اسپ ها با بسيار بيشرمی و وقاحت به عوض اينکه بدامان خوچنين های خود پناه ببرند، بدامان دشمنان خود يعني (به گفته خود شان) امپرياليزم جهان خوار پناهنده و تا امروز که مدت ۲۰ سال از فرار شان ميگذرد از امتيازات سوسيال اروپا و ويلفر امريکا و کانادا استفاده و لذت ميبرند.

به همین منوال نوکران دیگری (تنظیمهای جهادی) با توطئه همسایه جنوب شرقی ما (پاکستان) که به مراتب خطرناکتر از دسایس شوروی بود روی صحنه سیاسی افغانستان ظاهر میگردند که دستان خلقی ها و پرچمی ها را در خیانت و جنایت در حق مردم و سرزمین ما از پشت بستند و واقیعت هم است و اگر نمی بود امروز مهره آخر رژیم کمونیستی داکترنجیب ازین شهرت در بین مردم افغانستان برخوردار نمیشد. دشمنی این گروه نابکار، قدرت طلب و به ظاهر مسلمان با شهر زیبای کابل و مردم ناتوان و در گرو مانده آن بود و بس. زیرا این بی برنامه ها تا توانستند با تشدید مخالفت های گروهی، حزبی، سمتی، لسانی و مذهبی با همدیگر جنگیدند، کشتند و کابل را به خاکدان مبدل کردند، تا نظامیان پاکستان و آخذ های ایران را خوشحال بسازند.

دیری نگذشت که سیاهدلان دیگر مشهور به "کیوتران صلح"؟؟ در فضای افغانستان به پرواز درآمد و با اندک زمان محدود با استفاده از بی اتفاقی و بی تدبیری هفتگانه و هشتگانه و با مداخله مستقیم نظامیان و دستگاه جاسوسی جهنمی پاکستان این کیوتران صلح؟؟ که در واقیعت بهمان زاغهای سیاه زیاد مشابه بودند قدرت سیاسی و نظامی افغانستان را عهده دار گردیدند. طالبان این مهره های دومی سیاست های شیطانی پاکستانی در قبال افغانستان بینی افغانها را در نوکر صفتی خویش از چندین جا بریدند و اسلام را در انظار جهانیان قسمی جلوه دادند که تا امروز از کارنامه ها و شهکار های شان در منابع داخلی و خارجی "توصیف"؟؟!! بعمل میاید.

البته با گذشت زمان گرگان و مارهای آستین ایکه امریکا با تمویل مصارف شان دندان های زهری آنها را در مقابل خود کشیده بود دوباره صاحب دندان و زهر میشوند و حامیان خود را میدرند و می مکند که نتیجه اش تخریب دو آسمان خراش و قتل ۵۰۰۰ هزار اتباع بیگناه امریکا در بین ۲ ساعت بود، و به اصطلاح ما افغانها شری بخیزد که به خیر ما باشد که بدبختانه نبود. بلاخره ایالات متحده امریکا با تفاهم با جامعه بین المللی منجمله روسیه و چین دو رقیب پر قدرت غرب موافقه و تصمیم اتخاذ نمودند تا باید بالای افغانستان حمله کنند، دشمن مشترک بشریت اسامه بن لادن و شبکه اش را که در قلمرو افغانستان زندگی مینماید محو نمایند، که این پروسه مدت ۱۰ سال را در بر گرفت تا بلاخره دشمن امریکا از خانه دوست امریکا (پاکستان) پیدا و بقتل رسید.

همان بود که امریکا و متحدینش به افغانستان حمله و افغانستان را اشغال نمودند و حکومت دلخواه خود را از چهره های خونخوار و قاتلین مردم افغانستان در ۳۰ سال اخیر، تشکیل و در رأس آن شخص بیکیفایت، معامله گر، بی تدبیر و خوش باوری را بنام حامد کرزی مقرر نمودند که در ۱۰ سال حکومتش جز معامله گری، فرصت طلبی و ماجرا جوئی کدام دستاوردی ندارد، و هر روز گراف فساد گسترده در همه ساحات این دستگاه فاسد سیر صعودی خود را می پیماید.

مردم افغانستان درین مدت ۱۰ سال اخیر بنابر عوامل مختلفه چون حملات انتہاری، بم های کنار جاده، بمباردمان قوای خارجی، حملات راکتی و توپخانه های پاکستان و ایران، گرسنگی، غربت و مهاجرت های اقتصادی به منظور کاریابی در کشورهای همسایه و منطقه، غرق شدن در آبهای ابحار، بدار آویختن ها در کشور ایران، بندیخانه های پاکستان، اختتاف های سازمان شده، اعتیاد به مواد مخدر، خود سوزی ها، و بلاخره ظلم و ستم جنگسالاران و تفنگداران و غیره از بین میروند که مسئول همه آن شخص حامد کرزی و تیم فاسد و نابکارش میباشد. این بود شمه از گذشته ها و روز های تاریخ مردم افغانستان که در طول ۳۳ سال اخیر متقبل شده اند.

حال سوال اینجاست که تا چه وقت این وضع دوام کند، تا چه وقت در باره این جنایتکاران جنگی (افراطیون چپ و راست) بنویسیم و بحث کنیم، جنایات شان را مکرراً با نوشتن مقالات، میز های مدور، فلمهای مستند و غیره آلات و ابزار رسانه ئی توضیح و بر ملا بسازیم که اندکترین تأثیری بالایشان نکرده و نمیکند، بر عکس کشیدگی ها زیاد تر، درز ها عمیقتر و دشمن قویتر گردیده است.

راه بیرون رفت و علاج این زخم ناسور در شرایط فعلی همانا یک تشکل ملی و آنهم به این شرط که : همه اعضای خلق و پرچم، سران جهادی، طالبان و در مجموع همه دست اندرکاران این ادوار تاریخ ما که در ماجراها و جنایات ۳۳ سال اخیر دخیل بودند و هستند و در رده های بالائی دولت ها ایفای وظیفه نموده و مینمایند صرف نظر از اینکه در کجا زندگی میکنند باید از مردم افغانستان یک معذرت جانانه بخواهند، به اعمال گذشته خویش اعتراف، و اظهار پشیمانی نمایند، تا بتوانیم یک اتحاد ملی و مردانه را ایجاد و متحدانه این وطن را آباد و به دفاع و آبادی اش بپردازیم.

باز هم پیشنهاد مینمایم که درین موقع حساس که همسایه های نا خلف ما چشم طمع بسوی ما دوخته اند و هر لحظه با تهدید های دشمنانه خویش لقمه نان ما را به زهر مبدل میکنند، خوب نخواهد بود که یکبار دیگر با در نظر داشت منافع والای کشور تنفر و انزجار مقابل همدیگر را کنار بگذاریم و یکبار دیگر به جهانیان ثابت نمائیم که ما افغانها

در مقابل تجاوز متحد هستیم و اجازه نمیدهیم اندیشه های زهرآلود همسایه های شیطان صفت ما ( ایران و پاکستان) اتحاد ما را از بین ببرد و سرزمین مقدس ما را باز میدان تاخت و تاز اهریمنان بسازد. بناءً لازم میافتد تا راه بیرون رفت را که همانا انسجام ملت افغان زیر بیرق سیاه و سرخ و سبز میباشد جستجو نمائیم که تحفه گرانهای برای نسلهای آینده ما خواهد بود.

البته در اخیر باید ذکر کنم که نوشته بنده صرف در چوکات یک پیشنهاد است و بس، البته نظریات و پیشنهادات معقول و سازنده همه هموطنان مخصوصاً دانشمندان و نویسندگان والا مقام ما در خور احترام و ارزش خاص میباشد.

والسلام